بسم الله الرحمن الرحیم

نام تحقیق:

\*خودکشی\*

 نام استاد: جناب دکتر مومنی

نام دانشجو: سمیه اسمعیل نیا گنجی

خودکشی و....

**یکی از ناهنجاریهای اجتماعی که در طول تاریخ دامنگیر جامعه بشری، بخصوص جهان غرب بوده، مسئله خودکشی است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه بیش از پنج میلیون نفر در جهان اقدام به خودکشی می کنند که تقریبا پانصد هزار مورد آن منجر به مرگ می شود. هرچند طبق آمار، خودکشی در ایران به مراتب نسبت به سایر کشورهای جهان کمتر است، و در میان 49 کشور، رتبه چهل و سوم را در مورد نرخ خودکشی به خود اختصاص داده است؛ اما متأسفانه در سالهای اخیر این آمار رو به افزایش نهاده است به حدی که بطور متوسط سالانه 3216 نفر اقدام به این عمل پلید و حرام می کنند که به طور تقریبی در سال، از هر صد هزار نفر، شش نفر اقدام به خودکشی می کنند، و 62 درصد از کسانی که دست به چنین کاری می زنند می میرند.(**

**حال این سؤال مطرح است که:**

**از نظر اسلام خودکشی چه حکمی دارد؟ و علل و عواقب آن چیست؟**

**در پاسخ به این پرسش ابتدا لازم است به این نکته اشاره کنیم که: حیات آدمی اولین و عظیم ترین نعمتی است که خداوند آن را برای رسیدن به تکامل و صعود به قلّه های رفیع و عالی معنوی به انسان عطا فرموده است. ازاین رو نه تنها دیگران نمی توانند صدمه ای به این نعمت الهی وارد سازند، بلکه خود شخص نیز به هیچ عنوان حق ندارد آن را از بین ببرد و بر وی واجب است پیوسته از جان خویش پاسداری و محافظت کند. مالک اصلی انسان خداوند متعال است و نفس انسانی امانت الهی است؛ از این رو باید از این امانت خوب محافظت کرد و از بین بردن آن خیانت در امانت الهی است.**

**البته فقط در راه خدا می توان جان خویش را فدا نمود. چون حفظ دین الهی و ارزشهای والای دینی ـ که همان راه خداوند است ـ از جان انسان بالاتر، ارزشمندتر و مهمتر است. لذا سید و سالار شهیدان و سرور آزادگان حضرت امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای راه خدا، جان خویش را تقدیم نمودند.**

**در حقیقت این خود یکی از راههای رسیدن به کمال، بلکه بهترین و عالی ترین آن است.**

حرمت خودکشی در اسلام

**خودکشی در فرهنگ اسلامی به معنای عقب نشینی از نیل به غایت کمال و سقوط به وادی حسرت و ناکامی است.**

**بدین جهت این عمل از نظر اسلام حرام و محکوم است. چنانکه در قرآن کریم می فرماید: «وَلا تَقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ إنَّ اللّه َ کانَ بِکُمْ رَحیما، وَمَنْ یَفْعَلْ ذلک عُدْوانا وَظُلْما فَسَوْفَ نُصْلیهِ نارا»؛(2) «و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم کرد.»**

**کلمه «لاتَقْتُلُوا» صیغه نهی است و دلالت بر وجوب ترک عمل دارد.**

**روایات متعددی نیز درباره مذمت خودکشی وارد شده است. در این روایات، صاحبان این عمل اهل جهنم قلمداد شده و بهشت برای آنها حرام شمرده شده است. در ذیل به چند نمونه از روایات اشاره می کنیم:**

**1. أبی ولاّد می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدا فَهُوَ فی نارِ جَهَنَّمَ خالِدا فیها؛(3) هر کس عمدا خودکشی بکند، همیشه در آتش دوزخ خواهد بود.»**

**2. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَی ءٍ مِنَ الدُّنیا عُذِّبَ بِهِ یَوْمَ الْقِیامةِ؛(4) کسی که بوسیله چیزی از دنیا خودکشی کند، در روز قیامت بوسیله همان چیز عذاب خواهد شد.»**

**و در روایت دیگر می فرماید: «الذی یَخْنُقُ نَفْسَهُ یَخْنُقُها فِی النّارِ، وَالّذی یَطْعَنُها فی النار؛(5) کسی که خودش را خفه کند، خویشتن را در آتش (دوزخ) خفه کرده است و کسی که به خودش نیزه زند، در آتش باشد.»**

**و نیز فرمود: «کان فیمن قبْلَکُمْ رَجُلٌ بِهِ جرحٌ فَجَزَعَ فَأَخَذَ سِکّینا فَخَزَّ بِها یَدَهُ فَمارَقَأَ الدَّمُ حَتّی ماتَ، فَقال اللّه ُ: بادَرَنی عَبدی بِنَفْسِهِ؟! ...قد حَرَّمتُ عَلَیه الجَنَّةَ؛(6) میان انسانهای پیش از شما، مردی جراحتی برداشت و از شدّت بی تابی کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدّت خونریزی مُرد، پس خداوند فرمود: بنده ام، در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت... هر آینه بهشت را بر او حرام کردم.»**

**3. امام باقر علیه السلام فرمود: «إنَّ المُؤْمِنَ یُبْتَلی بِکُلِّ بَلِیَّةٍ وَیَمُوتُ بِکُلِّ میتَةٍ إلاّ أَنَّهُ لایَقْتُلُ نَفْسَهُ؛(7) مؤمن ممکن است به هر بلائی مبتلا شود و به هر نوع مرگ بمیرد، امّا خودکشی نمی کند.»**

**4. عمرو بن عبید بصری می گوید: «در یکی از جلسات امام صادق علیه السلام شرکت نمودم، پس از ورود و عرض ادب، شروع به خواندن این آیه نمودم که: «والَّذینَ یَجْتَنِبُونَ کَبائِرَ الاثْمِ»؛(8) «آنانکه از گناهان کبیره پرهیز می کنند.» بعداز خواندن این آیه لحظه ای سکوت کردم. امام صادق علیه السلام فرمود: عمرو چرا سکوت کردی؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گناهان کبیره را برایم مشخص کنید**

**. حضرت فرمود: ای عمرو! بزرگترین گناهان چند قسم است:**

**الف. شریک قائل شدن برای خداوند؛**

**ب. ناامیدی از خداوند متعال؛**

**ج. عاق والدین؛**

**د. کشتن نفسی که خداوند آن را حرام کرده است.(9)**

**هم کشتن دیگران می گردد.**

**از مجموع آیات و روایات گذشته استفاده می شود که خودکشی از نظر اسلام از گناهان کبیره محسوب می شود، انجام آن حرام می باشد، و مرتکبین آن اهل دوزخ اند. حتی برخی از گروههای اهل سنت مانند حنبلیها کسی را که خودکشی می کند کافر دانسته و نماز میت را برای او واجب نمی دانند.(10) آنها در این باره به این حدیث استدلال می کنند که: «إنَّ رَجُلاً قَتَلَ نَفْسَهُ بِمَشاقِصٍ، فَقالَ رَسُول اللّه صلی الله علیه و آله : اَمّا أَنَا فَلا أُصَلِّی عَلَیْهِ؛(11) مردی با نیزه خودکشی کرد و رسول خدا فرمود: من بر این شخص نماز نمی خوانم.»**

علل خودکشی

**در منابع دینی و تجربی علل و عوامل بسیاری در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و خانوادگی، برای خودکشی مطرح شده است، تا آنجا که نزدیک به 50 علت و انگیزه برای ارتکاب این عمل برشمرده اند. برخی از این علتها عبارت است از: احساس پوچی، اعتیاد، شهوت رانی و عشق بازی، زنا، شرابخواری، قماربازی، بی صبری در برابر مشکلات زندگی و بلاها، غرور، حسادت، خیانت، خشم و غضب و لجاجت، ترس از کیفر، ارتکاب جرم، ندامت و سرزنش وجدان، خیانت همسر یا معشوقه به شوهر، ازدواج اجباری، اختلافهای خانوادگی، بارداری نامشروع، دلتنگیهای خانوادگی، ورشکستگی مالی و روحی، عشق به پول و ثروت (دنیاپرستی و دنیاطلبی)، فقر مالی، عدم اعتماد به نفس در مبارزه با مشکلات، انتقام جویی، حب مقام، بیماریهای صعب العلاج و غیرقابل تحمل، علیلی و ناتوانی، بیماریهای روانی مانند افسردگی و جنون ادواری، طلاق و شکست در زندگی و عدم موفقیت در تشکیل خانواده، اختلالات روانی و شخصیتی والدین و تأثیر آن بر فرزندان، اعتیاد یکی از والدین یا هر دو، بدآموزیهای وسایل ارتباط جمعی، فقر فرهنگی و معنوی و اخلاقی، یأس و ناامیدی نسبت به آینده، شهر نشینی و اضطرابهای ناشی از آن، افزایش انحرافات اجتماعی، بی عدالتیهای اجتماعی و شکاف طبقاتی، بیزاری از زندگی، مشکلات خانوادگی و...**

1. ضعف ایمان و اعتقاد دینی:

**علتهایی چون احساس پوچی، یأس و ناامیدی نسبت به آینده و بن بست فکری، بی صبری و امثال اینها، ناشی از ضعف اعتقاد و نداشتن شناخت کافی از خداوند متعال و عدم شناخت جایگاه انسان و فلسفه آفرینش اوست. اگر کسی ایمان عمیق و اعتقاد جازم به خداوند داشته باشد، و بداند که خدا جهان هستی و بخصوص انسان را که اشرف مخلوقات این عالم است، هدفمند و غایتمند آفریده، هیچ گاه احساس پوچی و یأس و ناامیدی بر زندگی وی سایه نمی افکند. و اگر به قدرت مطلقه خداوند باور داشته باشد و بداند که همه چیز در برابر قدرت او ناتوان و هیچ است، در هنگام بروز مشکلات به خدا تکیه می کند، و با توکل به خداوند( و دعا به درگاه باری تعالی و با یاد و نام او که آرامبخش دلهاست ،می تواند مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد و موجبات آرامش روحی و قوت قلب و عزت نفس را فراهم سازد. باید توجه داشت که انسان واقعا عاجز از دانستن فلسفه پیش آمدها و ناملایمات زندگی است؛ چرا که علم انسان در برابر این کارها خیلی ناچیز و کم است خیلی از کارها به نظر انسان خوب است و از آنها احساس خوشحالی می کند، ولی نمی داند که آن اعمال به ضرر اوست، یا بالعکس، از برخی چیزها ناراحت و غمگین می شود و احساس بدی نسبت به آنها دارد و آن را شر و بدبختی می داند، در حالی که ممکن است همانها خیر و صلاحش باشند. طبق بیان امام امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند کارها را مطابق مقتضای مصالح جاری می کند، نه بر طبق میل و رضایت انسان**

2. ضعف معنویت و اخلاق دینی:

**بسیاری از عوامل خودکشی مانند: حسادت، کینه توزی، لجاجت، خشم و غضب، خیانت، غرور، زنا، شرابخواری، قماربازی، حب مقام، انتقام جویی، بارداری نامشروع، ازدواجهای اجباری و امثال اینها ناشی از ضعف معنویت و رعایت نکردن مسائل اخلاقی و دینی است. در فرهنگ اسلامی طبق بیان آیات و روایات تمام اعمال انسان بخصوص گناهان کبیره دارای آثار و پیامدهایی است، و به اصطلاح اثر وضعی دارد، به همین جهت در اسلام از انجام گناه و کارهای خلاف اخلاق به شدت نهی شده است.**

3. توجه بیش از حد به خواسته های حیوانی:

**شهوت رانی افراطی و عشق بازی نامشروع، عشق به مال و ثروت (دنیاطلبی و دنیادوستی) و... خواسته های حیوانی هستند و از عوامل خودکشی می باشند.**

4. عوارض طبیعی:

**مانند جنون و اختلالات روانی، ترس از کیفر، بیماریهای صعب العلاج، نقیصه هایی در ساختمان جمجمه، ضایعات قلبی و کبدی، صرع و... .**

آثار و عواقب خودکشی

**خودکشی به سان ناهنجاریهای دیگر جامعه، دارای عواقب و پیامدهای سخت فردی و اجتماعی است. کسانی که خودکشی می کنند، اگر عمل آنها باعث مرگشان شود، هرچند ممکن است ظاهرا از رنج و درد و مشکلات دنیا آزاد شوند، امّا بنا به اعتقادات دینی به عذابهای سخت و دردناک گرفتار می گردند؛ و از زمره کسانی می شوند که بطور دائم در آتش بسیار سخت جهنم می سوزند. علاوه بر روایات گذشته در بحث حرمت خودکشی، روایات فراوان دیگری نیز درباره آثار شوم این عمل وارد شده است که در این بخش به برخی از آنها اشاره می کنیم:**

**رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدیدَةٍ فَحَدیدَته فی یَده یُجاءُ بِها فی بَطْنِه فی نارِ جَهَنَّمَ خالِدا فیها مُخَلّدا أبدا، ومَنْ شَرِبَ سَمّا وَقَتَلَ نَفْسَهُ، فَسَمُّهُ فی یَدِهِ یَتَحَسّاهُ فی نارِ جَهَنَّمَ خالِدا فیها أبَدا، وَمَنَ تَرَدّی مِنْ جَبَلٍ، فَقَتَلَ نَفْسَهُ فهو یَتردّی فی نار جهنّم خالدا فیها مُخلّدا أبَدا؛(21) کسی که بوسیله آهن خودکشی کند پس آهن پاره بدست که (قسمتی از آن) به شکمش فرو رفته آورده می شود، و وارد آتش جهنم می گردد. ودر آن بطور أبد و همیشگی خواهد سوخت، و کسی که با خوردن سمّ خودکشی کند، پس سمّ در دست به آتش جهنم انداخته می شود و در آن بطور دائم خواهد سوخت، و کسی که خود را با پرت کردن از کوه به قتل برساند، پس به آتش جهنم پرت می شود و در آن تا أبد خواهد ماند.»**

**پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دیگری می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِسَمٍّ، عُذِّبَ بِهِ؛(22) کسی که با خوردن سم خودکشی کند، با همان سمّ معذّب خواهد شد.»**

**و نیز می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَی ءٍ أو ذبِحَ، ذَبَحَهُ اللّه ُ بِهِ فی نارِ جَهَنَّمَ؛(23) کسی که با چیزی یا ذبح خود، خودکشی کند، خداوند بوسیله همان چیز او را در آتش جهنم ذبح خواهد کرد.»**

**ابوسعید خدری می گوید: ما در جنگها و غزوات به صورت کاروانهای نوزده نفری بیرون می رفتیم و کارها را در میان خود تقسیم می کردیم. یکی در چادر می ماند، یکی برای یارانش کار می کرد؛ غذایشان را درست می نمود و شترانشان را آب می داد. عده ای هم پیش پیامبر صلی الله علیه و آله می رفتند. اتفاقا در کاروان ما مردی بودکه کار سه نفر را انجام می داد؛ هم هیزم جمع می کرد، هم آب می آورد و هم غذا پخت می کرد. این موضوع، به عرض پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید. حضرت فرمودند: «ذلکَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النّارِ؛ او اهل دوزخ است.» ما تعجب کردیم. وقتی که با دشمن روبرو شدیم و به جنگ پرداختیم، آن مرد مجروح شد، تیری برداشت و خودش را با آن کشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «گواهی می دهم که من رسول خدا و بنده او هستم.»(24)**

**شد که آن همه ثواب محو شود و او اهل دوزخ گردد.**

**یکی دیگر از پیامدهای خودکشی این است که باعث سرافکندگی و شرمندگی خانواده ها در جامعه و در میان اقوام می گردد، و چه بسا سبب اختلاف و زد و خورد، طلاق و از هم پاشیده شدن خانواده ها و حتی ممکن است به قتل و خودکشی دیگری منجر شود.**

**از آثار دیگر خودکشی این است که این عمل باعث افزایش ناهنجاریها و انحرافات جامعه می شود. هر قدر خودکشی بیشتر شود، نابسامانیهای اجتماعی نیز بیشتر می گردد. خودکشی جوانان باعث از بین رفتن سرمایه های انسانی جامعه است. و خودکشی پدر و مادر سبب افزایش تعداد افراد بی سرپرست در جامعه بوده، در نتیجه موجب بالارفتن نرخ انحرافها و بزهکاریها در جامعه می گردد.**

**خودکشی نه تنها برای فردی که به این عمل اقدام می کند. زیانبار است، بلکه برای اجتماع نیز زیان معنوی فراوانی به بار می آورد. در اجتماعی که اعداد و ارقام خودکشی رو به فزونی است، حیثیت اجتماعی زیر سوال قرار می گیرد و می توان گفت که آن اجتماعی از اعتبار و حیثیت لازم بهره مند معکوس است. در جامعه ای که آمار خودکشی بالا باشد، فرهنگ آن جامعه در نظر افکار عمومی معیوب و ناسالم است و همه می پرسند که در این جامعه چه مشکل حادی وجود دارد که تا این اندازه اشخاص به خودکشی روی می آورند.
ضرر و زیان معنوی خودکشی کمتر از ضرر زیان مادی آن نیست.
فردی که خود را می کشد، پدر، مادر، زن، فرزند و دیگر بستگان و حتی دوستان و همسایگان خود را می آزارد. این عمل زشت به قدری آثار بد و نامطلوبی در روحیه تک تک افراد وابسته به آن به جا می گذارد که آنان تا آخرین لحظات زندگیشان از این عمل رنج می برند.
بنابراین می توان گفت که خودکشی یک پدیده رنج آور اجتماعی است که نمی توان به سادگی از کنارش گذشت، بلکه برای درمان این بیماری روانی و درد اجتماعی باید چاره ای اندیشید.
اهمیت و ضرورت توجه و اولیاء مربیان به این پدیده
با در نظر گرفتن نکاتی چند به اهمیت و ضرورت تلاش مربیان و اولیای امور برای ریشه کن کردن این درد اجتماعی پی می بریم.
1- همان گونه که در عنوان قبلی ذکر شد. پدیده خودکشی زیانهای مادی و معنوی و فردی و اجتماعی فراوانی دارد.
2- آمار و ارقام رو به گسترش خودکشی ، خطر این امر را بیشتر نمایان می سازد. در رسانه های گروهی می خوانیم که در برخی از کشورها پدیده خودکشی بیش از بیماریهای کلیوی، سل و فلج اطفال قربانی می گیرد. و یا گفته اند: "خودکش به عنوان دهمین عامل اصلی مرگ و میر در ایالات متحده آمریکا باقی مانده است... " (3)
3- قابل پیشگیری بودن این پدیده: احساس خودکشی یکی از بیماری های روانی است که در شرایط خاصی بر فرد عارض می گردد و او را برای ارتکاب خودکشی وا می دارد.
این بیماری قابل معالجه است و می توان با مراقبتهای ویژه و راهنمایی های حساب شده فرد را از ارتکاب به این عمل باز داشت.
"اروین استنگل" می نویسد:
" یک مرد شصت ساله مدت دو سال مبتلا به بیماری افسردگی بود، بدون آن که به فکر درمان باشد. او که امید به شفا یافتن را از کف داده بود، سعی می کرد، خود را غرق کند، بستری کردند و در آن جا معلوم شد که مبتلا به افسردگی مزمن و نقص عقلانی پیش رس است.
او در محیط حفاظتی بیمارستان سرو سامان گرفت و شش سال بعد از ورود به بیمارستان با او مصاحبه کردند. با وجودی که نقص عقلانی اش آشکار بود و فقط از افسردگی خفیف رنج می برده است. او قادر نبود خارج از بیمارستان زندگی کند." (4)
"جیمز کاستلی" در کتاب " خودکشی: واپسین تقاضای کمک" می نویسد:
" این مطلب نیز عموما" صحیح است که افرادی که جداً میل ارتکاب به خودکشی را دارند فقط برای مدت کوتاهی، این گونه هستند و اگر در مقطع خاصی از بحران به آنان بشود کمک کرد، به احتمال زیاد دوباره به خودکشی روی نخواهد آورد." (5)
باتوجه به این نکات می گوییم: بر مسوولان امور اجتماعی لازم است که برای ریشه کن کردن این پدیده فکر کنند تا حیات اجتماعی از سلامت لازم بهره مند باشد.**

**پایان**